



تنبک و نگرشی به ریتم از زوایای مختلف

بهمن رجبی

سرشناسه : رجبی، بهمن، ۱۳۱۸-
عنوان و نام پدیدآور : تنبک و نگرشی به ریتم از زوایای مختلف/
نوشته بهمن رجبی-
وضعیت ویراست : [ویراست ۳]
مشخصات نشر : تهران : سرود ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری : ۲۸۴
شابک : 978-964-5842-19-0
وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع : تنبک - راهنمای آموزشی
رده بندی کنگره : MT ۷۲۵/ت۹،۳۳ ۱۳۸۹
رده بندی دیویی : ۷۸۹/۶۵
شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۸۲۰۲۵



انتشارات سرود

تهران - میدان هفتم تیر - ابتدای بهار شیراز - شماره ۱۴

تلفن: ۸۸۸۳۶۱۰۴ و ۸۸۳۱۸۵۹۱-۲ - ۰۹۱۰۳۰۸۸۴۰۰



www.sorood.ir

تنبک و نگرشی به ریتم از زوایای مختلف بهمن رجبی

طرح جلد مرتضی ممیز

حروف‌نگاری و صفحه‌آرایی فریدون هادیان

نوبت چاپ هفتم - ۱۴۰۲

تیراژ ۲۲۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۸۴۲-۱۹-۰ ISBN: 978-964-5842-19-0

حق چاپ و نشر برای انتشارات سرود محفوظ است.

فهرست

سخن نخست

در باره نویسنده کتاب ۹

فصل اول

«ضرب» یا ۱۳

فصل دوم

تُنَبک، يك ساز ضربه‌ای پوستی ایرانی است ۲۱

فصل سوم

تُنَبک، کاملترین ساز ضربه‌ای موجود در دنیاست ۵۵

فصل چهارم

تاریخچه تُنَبک و اهمیت آن و نوازنده‌اش در موسیقی ایرانی ۷۱

فصل پنجم

آیا تُنَبک نوازی، جزو هنرهای زیباست؟ ۱۰۱

فصل ششم

بررسی موقعیت تُنَبک و نوازنده آن، از گذشته‌های دور تا امروز ۱۱۱

فصل هفتم

۱۳۵ «ابعاد مختلف» تُنَبک‌نوازی

فصل هشتم

۱۵۷ «دستورنویسی» در تُنَبک‌نوازی

فصل نهم

۱۸۳ «آموزش» در تُنَبک‌نوازی

فصل دهم

۱۸۹ «سنت» و «بدعت» در تُنَبک‌نوازی

فصل یازدهم

۲۴۹ چند نظر کلی درباره گذشتگان

فصل دوازدهم

۲۶۱ «بت‌سازی» و «بت‌پرستی» در تُنَبک‌نوازی

فصل سیزدهم

۲۸۵ «تعمین جانسین» در تُنَبک‌نوازی

فصل چهاردهم

۲۹۳ «تأثیرپذیری» «همانندی» و «تقلید» در تُنَبک‌نوازی

فصل پانزدهم

۳۲۹ تُنَبک، به عنوان یک ساز مستقل جهانی

فصل شانزدهم

۳۴۹ «انتقاد» در تُنَبک‌نوازی

فصل هفدهم

۳۷۱ هنر «شنیدن» تُنَبک‌نوازی

سخن آخر

۳۸۱ نه شبم، نه شب پرستم که حدیث خواب گویم

فصل اول

«ضرب»؟ یا...

به اعتقاد «نگارنده» اطلاق کلمه «ضرب» به این ساز ایرانی به طور کلی غلط است. متنها یک «غلط مصطلح» که استعمال آن هم به این صورت اشکالی دربر نخواهد داشت.

در این مورد قبل از هر چیز لازم است یادآور شویم که ایراد و اعتراض ما به کلمه «ضرب» ناشی از عربی بودن واژه، و به عبارت کلی تر خارجی بودن کلمه مذکور نیست و یا اینکه به هیچ وجه تعصبی مبنی بر اینکه چرا باید یک ساز اصیل ملی توسط یک کلمه غیرایرانی، شناسانده شود در بین نیست و نخواهد بود؛ زیرا به خوبی بر این مهم واقف هستیم که وجود «تعصب» در هر زمینه‌ای از زمینه‌های مختلف زندگی، صرفاً ناشی از «یک‌دنگی» و «جهل» بوده و مانع بزرگی برای تحقیق و پژوهش می‌باشد و لذا، اعمال آن - هرچند که موجه نیز جلوه کند - شایسته نیست.

توجیه استعمال کلمه‌ی «ضرب» در زبان فارسی:

می‌دانیم که اقوام و ملل مختلف در طول تاریخ مناسباتشان - اعم از جنگی، تجاری، فرهنگی، سیاسی، مذهبی، دوستانه و استعماری - کلمات و حتی می‌توان گفت

پاره‌ای از مفاهیمشان نیز در یکدیگر نفوذ کرده است. به عنوان مثال: بسیاری از کلمات و عبارات عربی پس از اسلام در زبان و فرهنگ ما، وارد شده است که هنوز هم هرچند نه با شدت و حدت سابق جلوه‌گری دارند. یا اینکه بسیاری از کلمات و اصطلاحات زبان انگلیسی به مناسبت دوران نسبتاً طولانی استعمار انگلیس، در زبان‌های هندی و خیلی از ممالک دیگر نفوذ کرده‌اند.^(۱)

همچنین در زمان تسلط ترکان سلجوقی بر آسیای صغیر (آناتولی) مقدار زیادی از کلمات ترکی وارد زبان فارسی شده است که البته متقابلاً در زبان ترکی نیز کلمات فارسی به چشم می‌خورند.

بنابراین روشن است که ایراد ما در مورد استفاده از کلمه «ضرب» ناشی از تعصب نیست^(۲) بلکه ناشی از دانستن معنای لغوی آن و در نتیجه بی‌مسما بودن نام‌گذاری ساز مورد نظر است:

می‌دانیم که «ضرب» کلمه‌ای است عربی از نوع مصدر، آن هم مصدر ثلاثی مجرد. توضیح اینکه مصدرهای ثلاثی مجرد قاعده کلی ندارند و در اصطلاح ادبا «سماعی» هستند، به این معنی که معیار به کاربرد نشان، فقط «شنیدن» از متقدمین و استنباط از نثر و نظم ادبا و فصحای بزرگ و استعمال دیگران هست و بر آنها، قیاس نمی‌توان کرد و به عبارت دیگر «قیاسی» نیستند.

مصدرهای ثلاثی مجرد در عربی، دارای اوزان بسیار است و برخی از آنها که در زبان فارسی وجود دارند عبارتند از وزن‌هایی مانند: «ضرب»، «صدق»، «طلب»، «شغل» و امثال آن.^(۳)

۱. باید دانست که ضعف یا شدت این نفوذ به مسایل و عوامل چندی از قبیل: مدت استعمار، میزان نفوذپذیری فرهنگ ملل مستعمره و... بستگی دارد که توضیح دربارهٔ یکایک آنها، فصل جداگانه و مستقلی را طلب می‌کند.

۲. کما اینکه عده‌ای هنوز متعصبانه کوشش می‌کنند تا واژه‌های عربی را از زبان فارسی خارج کنند در حالی که برخی از ادیبان ما، این کار را بی‌خردانه می‌دانند چرا که معتقدند: این واژه‌ها که اغلب حال و هوای ایرانی هم به خود گرفته‌اند و مایهٔ غنای زبان ما محسوب می‌شوند.

۳. می‌دانیم که علامت مصدر در زبان فارسی «تا و نون» یا «دال و نون» هست در آخر کلمه، مانند «کردن» «زدن»، «خوردن» و امثال آن... بنا بر این قاعده، کلمات «ضرب»، «صدق» و... نمی‌توانند فارسی باشند.

کلمه «ضرب»، دارای معانی متعددی است مانند: «زدن»، «مثل و شکل»، «نوع و صنف از چیزی»، «مرد تیزخاطر و چست و چابک»، «باران سبک» و نیز نام یکی از چهار عمل اصلی در علم حساب.

اینک با در نظر گرفتن معانی مختلف ضرب اگر بخواهیم در توجیه نام‌گذاری این ساز این طور استدلال کنیم که: چون عمل «زدن»^(۱) روی ساز مزبور انجام می‌گیرد و به تعبیر دیگر نظر به اینکه آن را «می‌زنند» به آن «ضرب» گفته‌اند، آن‌گاه بلافاصله این پرسش مطرح می‌شود که:

مگر «سه تار» را که آن هم یک ساز ملی است نمی‌زنند؟ مگر کمانچه و سنتور و تار و قیچک و نی و دیگر سازهای ملی را نمی‌زنند؟ در حالی که حق اینست که بگوییم:

این ساز، یکی از آلات موسیقی است که عمل ضرب (زدن) روی آن انجام می‌گیرد، همانطور که می‌توان گفت: پیانو نیز یکی از آلات موسیقی است که عمل ضرب (زدن) روی آن انجام می‌گیرد و سنتور نیز... پس چرا کلمه «ضرب»، منحصرأ باید روی این ساز گذارده شود.

در اینجا، برای توجیه و تفسیر اطلاق کلمه عربی «ضرب» به ساز مورد نظر می‌توان سه شق را در نظر گرفت:

شق اول: که فکاهی و غیرمستند است. بدین معنی که اعراب پس از ورود به ایران به اصطلاح معروف: «دیواری کوتاه‌تر از دیوار این ساز مظلوم و مهجور، پیدا نکردند» و لذا یکی از کلمات خود را روی آن گذاردند که ظاهراً بامسما هم می‌نمود!

شق دوم: که می‌توان از روی شواهد و قراین موجود در ادبیات و فرهنگ فارسی، آن را نیمه‌مستند و شاید هم «تمام‌مستند» دانست، حاکی از این است که چون این ساز ملی، جزء آلات و ادوات «ضربه‌ای» است، به تدریج و در طول زمانی نسبتاً طولانی، حرف «ه» از آخر کلمه «ضربه» خذف شده و به عبارت دیگر بنا بر یک

۱. به معنی نواختن، آسیب رساندن و دست یا چیزی را که در دست است به بدن کسی یا چیزی فرود آوردن.

- ۱۰- لغت‌نامهٔ دهخدا، تألیف: علی‌اکبر دهخدا.
- ۱۱- فرهنگ سروری (مجمع‌الفرس)، تألیف محمد قاسم بن محمد کاشانی متخلص به سروری.^(۱)
- ۱۲- فرهنگ نظام (که یک فرهنگ هندی است)، تألیف سیدمحمدعلی داعی‌الاسلام.
- ۱۳- فرهنگ انجمن آراء ناصری: تألیف رضاقلی خان هدایت معروف به «لله‌باشی».
- ۱۴- فرهنگ ناظم‌الاطباء، تألیف دکتر علی‌اکبر ناظم‌الاطباء نفیسی.^(۲)
- به‌طورکلی نام این ساز، در فرهنگ‌های مختلف و نوشته‌های محققین اعم از ایرانی و خارجی به وجوه مختلف آمده است که به یکایک آنها اشاره می‌کنیم:

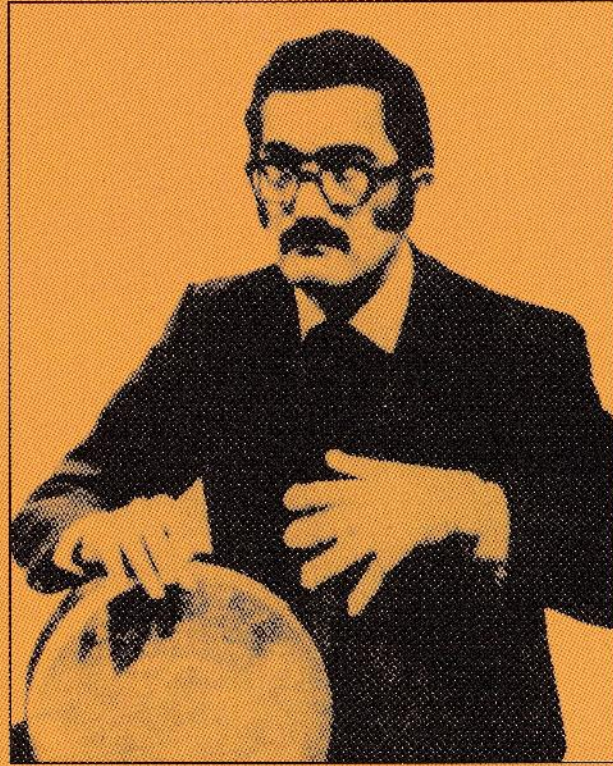
Dombarak	۲- دمبرک	Dombar ^(۳)	۱- دمیر
Tabank	۴- تبَنک	Tabang	۳- تبَنگ
Tobnok	۶- تَبَنک	Tobank	۵- تَبَنک
Tonbook	۸- تَنبُک	Tonbik	۷- تَنبیک
Khonobak	۱۰- خَنبک	Tontak	۹- تَنتک
khommak	۱۲- خَمک	Khombak	۱۱- خَمبک
Dambal	۱۴- دَمبال	Damal	۱۳- دَمل
Donbalak ^(۴)	یا دَنبَلک	Dombalak	۱۵- دَمبَلک
Khomchak	۱۷- خَمچَک	Khoorajak	۱۶- خُورازَک
Donbak	۱۹- دَنبک	Tombak	۱۸- تَمبک

۱. نویسنده و شاعر معروف قرن یازدهم هجری.

۲. پدر شادروان سعید نفیسی.

۳. نگارنده از حروف لاتین جهت درست خواندن اسامی استفاده کرده است.

۴. دکتر مهدی فروغ در یکی از نوشته‌های خود، اشاره‌ای دارد به اینکه در دوران ساسانیان، به یک نوع ساز ضربه‌ای که شبیه تنبک امروزی بوده است دَنبَلک یا دَمبَلک می‌گفتند، دَنبَلک یا دَمبَلک، واژه‌ای است پهلوی، و احتمال دارد که «دَمبک» و «دَنبک» صورت تغییر شکل یافته آن باشد.



مرکز موسیقی بتهوون شیراز

ISBN: 978-964-5842-19-0



9 789645 842190